

جزوه شماره ۸

# اسلام منتهای

# سیاست

بیانات امام خامنه ای مدظله العالی

تدوین: دی ۱۳۹۱



## فهرست:

\*\*\*\*\*

### فصل اول: پیامبر . حکومت اسلامی و سیاست

پیامبر (ص) و تلاش برای تشکیل حکومت/ عجیب است که کسی بخواهد دین اسلام را از زندگی، سیاست، اداره‌ی کشور و از حکومت جدا کند!- ۵  
پیامبر(ص) و امت سازی با سیاست و تربیت/دین و دولت یک چیز است- ۶

\*\*\*\*\*

### فصل دوم: شاخص‌ها

اسلام همراه با سیاست/ معنای لا إله إلا الله و توحید- ۹  
سیاست اسلام از دیانت آن جدا نیست، دیانت اسلام از سیاست آن جدا نیست- ۱۰  
امام (ره) قوام بخش اندیشه حکومت اسلامی-ارائه دهنده مکتب سیاسی اسلام- ۱۱

\*\*\*\*\*

### فصل سوم: تلاش برای جدا کردن اسلام از سیاست و حکومت

تاکتیک بدل سازی و تولید نمونه‌های تقلبی توسط غرب- ۱۴  
ترویج اسلام منهای روحانیت و اسلام منهای سیاست/ تلاش دشمنان برای جدا کردن مردم از نظام اسلامی- ۱۴  
نغمه شوم جدایی دین از سیاست و نوازندگان آن/اسلام ناب-اسلام آمریکایی- ۱۶

# فصل اول

پیامبر، حکومت اسلامی و سیاست

## پیامبر (ص) و تلاش برای تشکیل حکومت/ عجیب است که کسی بخواهد دین اسلام را از

### زندگی، سیاست، اداره‌ی کشور و از حکومت جدا کند!

قدم اول بعد از بعثت، نهضت، مبارزه و حرکت است. هیچ پیغمبری نتوانست این راه را بدون مبارزه بپیماید؛ این بار را به منزل برساند و این پیام را به مردم ابلاغ کند. این طور نیست که مردمی که بعثت در قلب آن‌ها، در میان آن‌ها و در محیط آن‌ها انجام گرفته است، آن دنیای جدیدی را که بعثت پیشنهاد می‌کند، به آسانی بپذیرند. لذا مبارزات با پیغمبران شروع می‌شود و پیغمبران، پر دشمن‌ترین انسان‌هایی هستند که حامل یک‌بار امانت و یک حقی هستند؛ و بعثت از روز اول، با این دشمنیها مواجه شد و مبارزه‌ی پیغمبر نیز از روز اول آغاز گردید و این مبارزه، تا لحظه‌ی وفات نبی اکرم - بیست و سه سال - طول کشیده است.

شما توجه بفرمایید که این بیست و سه سال، چه سالهای مبارکی بوده است. بیست و سه سال، یک عمر طولانی و زمان زیادی نیست. شما خیلی افراد را مشاهده می‌کنید که در طول بیست سال، بیست و سه سال یا بیست و پنج سال موفق نمی‌شوند که حتی یک کار قابل ارائه و قابل عرضه انجام دهند. معمولاً زندگی‌ها به امور شخصی می‌گذرد. اگر کارنامه‌ی انسانهای بزرگ را - چه دانشمندان، چه فلاسفه و چه سیاستمداران - نگاه کنید، محدوده‌ی کار آن‌ها را در طول بیست و سه سال خواهید دید - البته به اختلاف ظرفیت و توان اشخاص - معلوم نیست که بتوانند کارهای خیلی بزرگی انجام دهند. اما ببینید برکات این سالیان کوتاه، بیست و سه سالی که پیغمبر اکرم، عمر مبارکش را در دوران بعثت گذرانید، چقدر زیاد است! در قلب جاهلیت و در قلب قرون جاهلی عالم - نه فقط منطقه‌ی جاهلی، بلکه قرنهای جاهلیت بشر و تراکم ظلمات جهل - توانست بنایی را برافرازد و شعله و چراغی را برافروزد که نورانیت آن در طول تاریخ، روز به روز بیشتر خواهد شد و مردم بیشتری را دستگیری خواهد کرد و به هدایت خواهد رساند.

شروع این راه در سیزده سال اول زندگی پیغمبر است؛ تا اینکه منتهی به تشکیل حکومت می‌شود. پس قدم بعدی، تشکیل نظام مبتنی به این تفکر و بر مایه‌ی بعثت است. لذا توجه می‌کنید از این ترتیب، خوب می‌شود فهمید حرف کسانی که سعی می‌کنند تا دین و بخصوص دین اسلام را جدای از حکومت معرفی کنند، غلط است. البته همه‌ی ادیان در این جهت مثل هم هستند؛ لیکن این ادعا در مورد اسلام، خیلی عجیب است که کسی بخواهد دین اسلام را از زندگی، سیاست، اداره‌ی کشور و از حکومت جدا کند؛ کنار بگذارد و بین این‌ها تفکیک ایجاد نماید. اسلام از روز اولی که به وجود آمد، با یک مبارزه‌ی دشوار، به سمت تشکیل یک نظام و یک جامعه حرکت کرد. بعد از سیزده سال

مبارزه هم، پیغمبر اکرم توانست - اگرچه نه در شهر خود و در نقطه‌ی ولادت این بعثت، اما در نقطه‌ی دیگری از دنیای آن روز - این نظام را سرپا کند و به وجود آورد.<sup>۱</sup>

### پیامبر(ص) و امت سازی با سیاست و تربیت/دین و دولت یک چیز است

اولین سلولهای پیکره‌ی امت اسلامی در همان روزهای دشوار مکه با دست توانای پیغمبر بنا شد؛ ستونهای مستحکمی که باید بنای امت اسلامی بر روی این ستونها استوار بشود؛ اولین مؤمنین، اولین ایمان‌آوردگان، اولین کسانی که این دانایی، این شجاعت، این نورانیت را داشتند که معنای پیام پیغمبر را درک کنند و دل به او ببندند. «فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للإسلام». دل‌های آماده و درهای گشوده‌ی دل به سمت این معارف الهی و این دستورات الهی، با دست توانای پیغمبر ساخته شد، این ذهنها روشن شد، این اراده‌ها روز به روز مستحکم‌تر شد؛ و سختی‌هایی در دوران مکه برای همان عده‌ی قلیل مؤمنین - که روز به روز هم بیشتر می‌شدند - پیش آمد، که برای من و شما قابل تصور نیست. در فضایی که همه‌ی ارزشها، ارزشهای جاهلی است، تعصبا، غیرت‌ورزیهای غلط، کینه‌ورزیهای عمیق، قساوتها، شقاوتها، ظلمها و شهوتها درآمیخته باهم است و زندگی مردم را می‌فشرد و در خود احاطه کرده - و در بین این سنگهای خارا و غیر قابل نفوذ - این نهالهای سرسبز بیرون آمد. «و ان الشجره البریه اصلب عوداً و اقوی و قوداً» که امیر المؤمنین می‌گوید، این است. هیچ طوفانی نمی‌توانست این سبزه‌ها، این نهالها و این درخت‌هایی را که از لای صخره‌ها روید و ریشه دوانید و رشد کرد، تکان بدهد. سبزه سال گذشت و بعد بر اساس این پایه‌های مستحکم، بنای جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ی مدنی و نبوی، بر روی این پایه‌ها گذاشته شد. ده سال هم امت‌سازی به طول انجامید. این امت‌سازی فقط سیاست نبود؛ یک بخشی از آن، سیاست بود. بخش عمده‌ی دیگری آن، تربیت یکایک افراد بود: «هو الذی بعث فی الاممیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه». «یرکبهم»؛ یک‌یک دلها در زیر تربیت پیغمبر قرار می‌گرفت. پیغمبر به یکایک ذهنها و خردها، دانش و علم را تلقین می‌کرد. «و یعلمهم الکتاب و الحکمه». حکمت یک مرتبه‌ی بالاتر است. فقط این نبود که قوانین و مقررات و احکام را به آن‌ها بیاموزد، بلکه حکمت به آن‌ها می‌آموخت. چشمهای آن‌ها را بر روی حقایق عالم باز می‌کرد. ده سال هم پیغمبر این‌گونه و با این روش حرکت کرد. از طرفی سیاست، اداره‌ی حکومت، دفاع از کیان جامعه‌ی اسلامی، گسترش دامنه‌ی اسلام، باز کردن راه برای اینکه گروههای خارج از مدینه بتدریج و یک‌به‌یک وارد عرصه‌ی نورانی اسلام و معارف اسلامی شوند، از طرف دیگر هم تربیت یکایک افراد. برادران و خواهران عزیز! این دوتا را نمی‌شود از هم جدا کرد.

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۷۵/۹/۱۹

یک عده‌ای اسلام را فقط مسأله‌ی فردی دانستند و سیاست را از اسلام گرفتند. این، چیزی است که امروز در بسیاری از جوامع اسلامی و در معارف دنیای مهاجم مستکبر مستعمر غربی، ترویج می‌شود که: اسلام از سیاست جداست! سیاست را از اسلام گرفتند؛ در حالی که نبی مکرم اسلام در آغاز هجرت، در اولی که توانست خود را از دشواریهای مکه نجات دهد، اولین کاری که کرد، سیاست بود. بنای جامعه اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل قشون اسلامی، نامه‌ی به سیاستمداران بزرگ عالم، ورود در عرصه‌ی سیاسی عظیم بشری آن روز، سیاست است. چطور می‌شود اسلام را از سیاست جدا کرد؟! چطور می‌شود سیاست را با دست هدایتی غیر از دست هدایت اسلام، معنا و تفسیر کرد و شکل داد؟! «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ»؛ بعضی قرآن را تکه پاره می‌کنند. «یؤمن ببعض و یکفر ببعض»؛ به عبادت قرآن ایمان می‌آورند؛ اما به سیاست قرآن ایمان نمی‌آورند! «و لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط». قسط چیست؟ قسط یعنی استقرار عدالت اجتماعی در جامعه. چه کسی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ **تشکیل یک جامعه‌ی همراه با عدالت و قسط، یک کار سیاسی است؛ کار مدیران یک کشور است. این، هدف انبیاست.** نه فقط پیغمبر ما، بلکه عیسی و موسی و ابراهیم و همه‌ی پیغمبران الهی برای سیاست و برای تشکیل نظام اسلامی آمدند. آن وقت یک عده‌ای از روی مقدس‌مآبی عیاشان را جمع کنند و بگویند: ما به سیاست کاری نداریم! مگر دین از سیاست جداست؟! آن وقت تبلیغات خباث‌آمیز غربی هم دائم دامن بزنند به این حرف، که: دین را از سیاست جدا کنید؛ دین را از دولت جدا کنید. اگر ما مسلمانیم، دین و دولت به یکدیگر آمیخته است؛ نه مثل دو چیزی که به هم وصل شده باشند. دین و دولت یک چیز است.

**در اسلام دین و دولت از یک منبع و یک منشأ سرچشمه می‌گیرد و آن، وحی الهی است. قرآن و اسلام، این است. یک عده از این طرف، سیاست را از اسلام جدا می‌کنند، یک عده هم در طرف مقابل، اسلام را فقط سیاست و سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری می‌دانند.** اخلاق و معنویت و محبت و فضیلت و کرامت را که بزرگترین هدف بعثت پیغمبر ماست، ندیده می‌گیرند. این هم «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» است؛ این هم «تؤمن ببعض و نکفر ببعض» است. اسلام را در جملات براق و مشعشع سیاسی خلاصه کردن، از خشوع دلها غافل شدن، از ذکر، از صفا، از معنویت، از زانو زدن در مقابل خداوند، از خدا خواستن، به خدا دل بستن، اشک ریختن در مقابل عظمت پروردگار، رحمت الهی را طلب کردن، صبر و حلم و سخا و جود و گذشت و برادری و رحم را ندیده گرفتن و صرفاً به سیاست چسبیدن به اسم اسلام، هم همان انحراف را دارد؛ تفاوتی نمی‌کند.<sup>۲</sup>

<sup>۲</sup> بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث ۸۵/۵/۳۱

فصل دوم

شخص‌ها



## اسلام همراه با سیاست/ معنای لا إله إلا الله و توحید

این استعداد جوشان، این سرزمین غنی، این موقعیت جغرافیایی حساس، این تاریخ پُرشکوه- که پشتوانه‌ی فرهنگی و پشتوانه‌ی افتخارات ماست- و بالاتر از همه، نور ایمانی که امروز در دل‌های جوانان ما می‌درخشد و دنیا را متوجه خود می‌کند، همه نوید دهندگان به نسل جوان و نوجوان ما برای آینده است. تلاش شما باید این باشد که آن آینده را هر چه بهتر بسازید. ما همین جوان، همین موقعیت و همین گذشته‌ی تاریخی را قبل از انقلاب هم داشتیم؛ اما این درخشندگی و پیشرفت را نداشتیم. چرا؟ چون آن روز دستگاه سیاسی و قدرتی که بر این کشور و بر همه‌ی مراکز تلاش و توان در این کشور حاکم بود، اولاً از دین و ایمان و اعتقادات ارزشی بی‌بهره‌ی محض بود- یک‌مُشت افراد پوک بدون اینکه در درون خود ارزش والایی داشته باشند، بر مردم حکومت می‌کردند -ثانیاً همین‌ها موجب شده بود که خود آن‌ها وابسته‌ی به دشمنان باشند. ایران عزیز ما بهشتِ غارتگران و چپاولگران بود. چرا؟ چون کدخدا را دیده بودند، ده را می‌چاپیدند! مسئولان نظام را در چپاولگری‌های خودشان شریک کرده بودند و این ملت را می‌چاپیدند. انقلاب آمد و بزرگترین مانع را در مقابل نفوذ خائنه‌ی بیگانگان و همچنین سلطه‌ی غیر مشروع و غیر منطقی افراد فاسد ایجاد کرد. آن مانع چه بود؟ اسلام بود. تا وقتی اسلام در جایگاه خود قرار داشته باشد، تبلیغاتچی‌های استکبار جهانی و بین‌المللی از اسلام به شدت بیمناکند. بله؛ اگر اسلام از سیاست و زندگی و محیط اجتماعی دور و مخصوص کُنج عبادتگاه و خلوت مساجد باشد، از آن باکی ندارند. اگر یک عده در خلوت، خود را به عبادت مشغول کنند، درحالی‌که عرصه‌ی جامعه، اداره‌ی جامعه، مدیریت کشور و سررشته‌داری امور، دست افکار و اهواء و مکتبهای گوناگون باشد، آن‌ها از این اسلام ابایی ندارند و به آن اهمیتی نمی‌دهند؛ اما اگر اسلام آن‌چنان که خدا خواسته و قرآن تشریح کرده، به معنای برنامه‌ی زندگی تلقی شد و مورد پذیرش قرار گرفت، از آن می‌ترسند. چرا؟ چون این اسلام، در وهله‌ی اول دو عنصر بزرگ در درون خود دارد که یکی عبارت است از احترام به شخصیت و اهتمام به رشد انسان، و دوم جلوگیری از نفوذ غارتگران و طاغوتها و قدرتمندان نابحق و ظالم و ستمگر جهانی. در کلمه لا إله إلا الله ی توحید، این‌ها وجود دارد؛ «لا إله إلا الله». یکی از مصرعهای برجسته و مهم قصیده‌ی «این است که با طاغوتها، طغیان‌گرهای جهانی، قدرتهای ظالم بین‌المللی و ستمگرانی که امروز شما می‌بینید در دنیا چگونه تاخت‌وتاز می‌کنند و با ملت‌ها چه می‌کنند، نمی‌شود کنار آمد. توحید اجازه نمی‌دهد مسلمان در مقابل قدرتهای بدون مهار که با فلسطین و عراق و افغانستان آن‌طور رفتار کردند و قبلاً با بوسنی و لبنان و دیگر کشورهای اسلامی و سایر نقاط دنیا طور دیگر رفتار کردند، کرنش کند. همین کرنشها از سوی برخی از ملت‌های ضعیف شده است که این‌طور این خون‌آشام‌ها را قدرتمند کرده است. اگر ملت‌ها حق خود را بشناسند و بخواهند زیر بار زورگویی‌های بین‌المللی نروند و شعارهای دروغین این رباکاران بین‌المللی را قبول نکنند، این‌ها این‌طور قدرتمند نمی‌شوند.

اسلام اجازه نمی‌دهد ملت‌های مسلمان زیر بار زور و سلطه بروند و لگدکوب شوند. شخصیت و عزت و رشد انسان اسلامی در هر شرایطی باید محفوظ بماند؛ این‌ها در درون اسلام است. اسلام وقتی به عنوان برنامه‌ی زندگی مطرح شد، این‌ها هم مطرح می‌شود. جامعه‌ی ما بحمد الله از میلیون‌ها جوان دختر و پسر برخوردار است. این مایه‌ی افتخار برای ملت ماست. این ملت باید به وجود این همه جوان، این همه استعداد و این همه دل پاک و نورانی ببالد و جوان هم باید به کشور خود، به انقلاب خود، به نظام اسلامی خود و به پرچم برافراشته‌ی اسلام خود ببالد و آینده را بسازد. آینده با حرف ساخته نمی‌شود؛ با کار هوشمندانه و مؤمنانه ساخته می‌شود. باید کار کنید؛ آن هم کار هوشمندانه و برخوردار از پشتوانه‌ی ایمان. جوانانی که امروز شما می‌بینید ناگهان در قالب یک کار بزرگ فنی و یا ایجاد یک فناوری بزرگ ظاهر می‌شوند، مدتها مؤمنانه تلاش و کار کرده‌اند و ناگهان در عرصه‌های علم این‌طور ظاهر شده‌اند.<sup>۳</sup>

### سیاست اسلام از دیانت آن جدا نیست، دیانت اسلام از سیاست آن جدا نیست

اتحاد را تبلیغ کنید. البته نمی‌گوییم الآن اتحاد تحقق پیدا کند. طبیعی است که از حرف و عقیده و اعتقاد تا عمل فاصله‌ی ژرفی است؛ لیکن امروز اعتقاداً ترویج تفرق و تشتت می‌شود که نمونه‌هایش را می‌بینید. بایستی با این مبارزه و مقابله کرد. بایستی تفهیم کرد که وحدت بین مسلمین، به صد دلیل واجب، و به صد دلیل ممکن است. بایستی دنبال کرد که این نکته در تبلیغات زبان‌دان‌ها و مبلغان و گویندگان و حتی حجاج معمولی که ممکن است رفیقی از یک کشور پیدا کنند و با او دو کلمه حرف بزنند، رعایت شود.

دشمنان وحدت چه کسانی هستند که می‌شود در دنیا یکی‌یکی آن‌ها را با انگشت نشان داد؟ طرف‌داران وحدت چه کسانی هستند؟ آیا خدا و ملائکه و انبیا و اولیا از وحدت خرسند می‌شوند، یا ناراضی؟ این‌ها را می‌شود کاملاً با وجدان معمولی دینی و اسلامی مشترک بین همه‌ی مسلمین فهمید.

مسأله‌ی دیگری که توجه به آن خیلی لازم است، مسأله‌ی دین و سیاست است. جدا کردن دین از سیاست که شاید از قریب دوپست سال قبل در برنامه‌ی دشمنان دنیای اسلام بوده است، نکته‌ی بسیار مهمی است. و لو خود این

---

<sup>۳</sup> بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان ۸۲/۶/۲۶

کلمه را تکرار کنید که «سیاست اسلام از دیانت آن جدا نیست، دیانت اسلام از سیاست آن جدا نیست». این تکرار شود، گفته شود و به گوش همه برسد.

پیامبر اکرم، اوّل که به مدینه تشریف بردند، یک حکومت تشکیل دادند. حکومت یعنی چه؟ نرفتند گوشه‌ای بنشینند و بگویند هرکس خواست مسئله برسد چون کفار قریش نیستند که ایجاد مزاحمت کنند بیاید پیش ما آزادانه برسد! یا مثلاً هرکه خواست نماز یاد بگیرد، برود از فلانی یاد بگیرد یا از خودمان بیاموزد. اوّل، یک حکومت و یک ریاست تشکیل دادند. کار اوّل اسلام این است. بعد هم بلافاصله این حکومت شروع به کارهای حکومت مقتدر کرد: جنگیدن، مبارزه کردن، بعد کم‌کم نامه‌نگاری به این طرف و آن طرف و حلّ و فصل امور دیگر. در مقابل این واقعیت، چه کسی می‌تواند غیر از آنچه که معنا و مفهوم صریح آن، وحدت دین و سیاست در اسلام است، مطلبی اقامه کند؟<sup>۴</sup>

### امام (ره) قوام بخش اندیشه حکومت اسلامی - ارائه دهنده مکتب سیاسی اسلام

امام بزرگوار ما در این مدت در عین هدایت مردم و گستردن دامنه‌ی آگاهی همگانی و کشاندن توده‌ی میلیونی به مبارزه، اندیشه‌ی حکومت اسلامی را نضج و قوام بخشید و در مقابل دو مکتب رائج سیاسی عالم یعنی حکومت دیکتاتوری حزبی کمونیستی در شوروی سابق و چین و اعمار آن‌ها در اروپا و آفریقا و دیگر نقاط، و حکومت‌های پارلمانی غربی که سلطه‌ی سرمایه‌داران و کمپانیها بر فکر و اخلاق و سرنوشت مردم به نام دموکراسی بود، راه اسلامی را مطرح کرد که در آن بر دو عنصر دین و انسان بطور اساسی تکیه شده و ایمان دینی و اراده‌ی مردمی بزرگترین شاخصه‌ی آن است. نظام اسلامی در مکتب امام خمینی نظام عدل و ایمان و عقل و آزادی و مردم‌گرایی است، و استقلال ملی و رد نظام سلطه‌ی بین‌المللی در مکتب امام بزرگوار ما دارای چنین ریشه‌های عمیقی است. ملتی که نظام اسلامی را انتخاب می‌کند از آنجا که مؤمن به اسلام و عاشق عدالت، و پایبند به منطق و عقل و دین، و آزاد از تحمیل و زورگویی است، بطور طبیعی همه‌ی قدرتهای سلطه‌گر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی عالم را نفی می‌کند و از همه‌ی زورگویان و چپاولگران و متجاوزان بین‌المللی روی برمی‌تابد و اگر از آنان تعرضی ببیند با همه‌ی توان در مقابل آنان می‌ایستد و از استقلال و شرف و آزادی خود دفاع می‌کند، و از آنجا که معتقد به برادری همه‌ی مسلمانان و شرف همه‌ی انسان‌هاست در هر نقطه‌ی جهان که ملتی را مقهور دست ظلم و استکبار ببیند با آنان احساس همدردی می‌کند و اگر بر آزادی‌طلبی همت گمارند، دست کمک به آنان می‌دهد. دفاع شجاعانه‌ی ملت و دولت ایران از مردم مظلوم فلسطین و مواضع و رفتار صریح آنان در حمایت از ملت‌های مبارز و به خون نشسته‌ی

<sup>۴</sup> بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳/۱۲/۷۶

بوسنی و افغانستان و سودان و لبنان، و مواضع معروف و زبانزد آن در برابر دو ابرقدرت متعارض دیروز یعنی شوروی سابق و امریکا، و نظر صریح و قاطع آن نسبت به رژیم غصب و ظلم و ترور صهیونی در کشور فلسطین اشغالی و موضع استوار و متقن و شجاعانه‌ی آن در برابر همه‌ی قلدران و زورگویان عالم تا امروز، همه و همه از این اندیشه‌های بنیانی نظام اسلامی سرچشمه می‌گیرد.

امام بزرگوار ما با ارائه‌ی مکتب سیاسی اسلام، خط بطلان بر همه‌ی تلاشهای فرهنگی و سیاسی دشمنان اسلام در طول یک قرن و نیم گذشته کشید که سعی کرده بودند اسلام را بکلی از عرصه‌ی زندگی جامعه بیرون رانده و با طرح نظریه‌ی جدایی دین از سیاست، دین‌داری را فقط پرداختن به عبادت و اعمال شخصی قلمداد کنند، و با حذف اسلام از صحنه‌ی سیاست جهان، کشورهای اسلامی را عرصه‌ی غارتگری‌ها و تاخت‌وتازهای سیاسی و نظامی خود نمایند.

با ارائه و تعلیم و تبلیغ مکتب سیاسی اسلام، که در آن هم نقش مردم و اراده و خواست آنان و هم نقش هدایت الهی و احکام سعادت‌بخش قرآنی در اداره‌ی زندگی عمومی و حکومت، مشخص گردیده، و جایگاه ایمان و جهاد و اراده و تدبیر تبیین شده است، مبارزات گسترده‌ی مردم، سمت و سوی منطقی و فکری خود را یافت و امام حکیم فرزانه و شجاع، در موضع رهبر بی‌معارض، چون خورشیدی صحنه‌ی مبارزات را روشن کرد، و سیل عظیم مردم به سوی میدانهای نهضت اسلامی سرازیر شد، و رهبری حکیمانه و همیشه بیدار امام موجب شد که هجوم وحشیانه‌ی رژیم و مزدورانش به مردم مبارز، نه فقط عزم و اراده‌ی آنان را سست نکند، که آتش خشم و عزم انقلابی آنان را تیزتر نیز بنماید. کمکهای سیاسی و تسلیحاتی و امنیتی امریکا و صهیونیسم و دیگر حامیان رژیم منحوس پهلوی که در تمام این مدت به سوی آن سرازیر می‌شد، سود نبخشید و ملت ایران به کمک خداوند متعال و عنایات حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه و با سلاح ایمان و جهاد و عشق به شهادت، بر رژیم تا دندان مسلح پهلوی پیروز شد، و نظام پوسیده‌ی سلطنت را پس از قرن‌ها سلطه‌ی ظالمانه و تحقیرآمیز، به دور افکند و بنیان شامخ نظام اسلامی را که بر ایمان و معرفت و منطق و اراده‌ی مردم استوار است بنا کرد.<sup>۵</sup>

---

<sup>۵</sup> پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی ۷۷/۱۱/۲۱

# فصل سوم

تلاش برای جدا کردن اسلام از

سیاست و حکومت

## تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی توسط غرب

غرب در دهه‌های بیداری اسلامی و بویژه سالهای اخیر پس از شکستهای پیاپی از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و اینک مصر و تونس و ... کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند، تا عملیات تروریزم ضد مردمی را به جای «شهادت‌طلبی»، «تعصب و تحجر و خشونت» را به جای «اسلامگرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و امت‌گرایی»، «غربزدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی» را به جای «پیشرفت مستقل»، «سکولاریزم» را به جای «علم‌گرایی»، «سازشکاری» را به جای «عقلانیت»، «فساد و هرج و مرج» اخلاقی را به جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت»، «مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافیگری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب‌ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» قلمداد کند.<sup>۶</sup>

## تلاش دشمنان برای جدا کردن مردم از نظام اسلامی/ترویج اسلام منهای روحانیت و اسلام

### منهای سیاست

در زمینه‌ی تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام هم کارهای زیادی میکنند: شایعه می‌سازند، برای اینکه مردم را از مسئولین کشور، از رؤسای قوا مأیوس کنند. تخم بدبینی می‌پراکنند. هر کار شایسته‌ی باارزشی که در سطح کشور انجام بگیرد، این را در وسائل تبلیغات گوناگون مورد تردید قرار میدهند. اگر ضعف‌هایی هست، چند برابر میکنند و نقاط قوت را نشان نمیدهند، برای اینکه مردم را ناامید کنند، بخصوص نسل جوان را ناامید کنند. افق آینده را در مقابل نسل جوان و مردم تیره و تار نشان میدهند، برای اینکه مردم را از صحنه خارج کنند. لیکن نکته‌ی اساسی این است که دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام اسلامی در طول این سی و دو سال، همه‌ی تلاشی را که در این دو مورد انجام داده‌اند، سرمایه‌گذاری‌های خسارت‌باری بوده است؛ نتیجه‌ای نگرفتند و شکست قطعی خوردند. آنها خیال میکردند میتوانند مردم را از نظام اسلامی جدا کنند.

روزبه‌روز که گذشته است، می‌بینید مردم پایبندی‌شان به مسائل دینی و ارزشهای معنوی بیشتر شده است. کی در کشور ما این همه جوان در مراسم معنوی شرکت میکردند؛ در مراسم عبادی ماه رمضان، در روز عید فطر؟ این اجتماعات عظیم، این روشن‌بینی مردم در زمینه‌ی مسائل سیاسی سابقه نداشته است. بعد از اهانتی که در روز عاشورای سال ۸۸ به وسیله‌ی یک عده تحریک شده نسبت به امام حسین انجام گرفت، دو روز فاصله نشد که مردم

<sup>۶</sup> خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی ۹۰/۱۱/۱۴

در روز ۹ دی توی خیابانها آمدند و موضع صریح خودشان را علنی ابراز کردند. دستهای دشمن و تبلیغات دشمن نه فقط توانسته مردم را از احساسات دینی عقب بنشانند، بلکه روزه‌روز این احساسات تندتر و این معرفت عمیق‌تر شده است.

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع یک فرماندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه‌ی سال ۸۸ کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبهای سیاسی و اجتماعی‌ای که میتواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.

سالهای گذشته در برخی مطبوعات کشور، بعضی افراد مدعی فهم و دانش، علیه دین، علیه مبانی اسلامی افاداتی مینوشتند؛ اینها هم در مردم اثری نکرد. این را توجه داشته باشید؛ دشمنان دو نکته‌ی اساسی را در باب دین دارند دنبال میکنند؛ چون دیده‌اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیرگذار است: یکی مسئله‌ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده‌اند که روحانیت در جامعه‌ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زرمه‌ها را میکردند. حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب، موقتاً این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدائی دین از سیاست است. اینها از جمله‌ی چیزهایی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات، در نوشته‌جات، در وسائل اینترنتی ترویج میکنند. مسئله برای آنها اهمیت دارد. این را توجه داشته باشیم؛ هر آنچه را که دشمن بر روی آن تکیه میکند و نقشه‌ی راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او میتواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه‌ی راهی را در اختیار بگذارد. همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار میدهند، ما باید توجه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم؛ حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی.

از سال ۵۸ و ۵۹ تحریم را علیه کشور ما شروع کردند؛ لیکن این تشدید تحریمها در واقع برای این است که روی مردم فشار بیاید و مردم از نظام اسلامی جدا شوند. خوشبختانه هم مسئولین گفتند، هم مردم اعلان کردند، هم عملاً نشان داده شد که این تحریمها به توفیق الهی اثر قابل توجهی بر زندگی مردم نخواهد گذاشت و مردم که آن

زحمات و مشکلات دهه‌ی ۶۰ و اوائل انقلاب را تحمل کردند، امروز با پیشرفتهای عظیمی که پیدا شده است، اطمینان‌شان بیشتر و امیدشان به آینده روشن‌تر است و در مقابل دشمن می‌ایستند و توطئه‌ی دشمن را خنثی میکنند.<sup>۷</sup>

### نغمه شوم جدایی دین از سیاست و نوازندگان آن / اسلام ناب - اسلام آمریکایی

بدیهی است که نغمه‌ی شوم جدایی دین از سیاست، ساخته‌ی دشمنان پلیدی است که از اسلام زنده و در صحنه، سیلی خورده و با این ترفند خواسته‌اند صحنه‌ی زندگی را از حضور دین فارغ کرده و خود زمام امور دنیای مردم را به دست گیرند و بی‌دغدغه بر سرنوشت انسانها تسلط یابند. اما تلخ و تأسفانگیز آن است که کسانی به نام دین و در کسوت علمای دین، همین سخن را تکرار کنند و در ترویج آن، سعی و تلاش کنند. این هم‌صدایی برخی ملیسین به لباس دین با دشمنان پلید و خطرناک، اگرچه در مواردی ناشی از غفلت آنان از اهمیت سیاست و نقش آن در سرنوشت انسانها و در مواردی ناشی از تنبلی و ترس و تن دادن به زندگی آسان است، اما در مواردی هم ناشی از همدستی خطرناک این دین‌فروشان و نوادگان «بلعم باعورا» با ارباب قدرت و مکنت است، که مسلمانان باید این را بزرگترین خطر، و چنین آخوندهایی را پلیدتر از اربابان سیاسیشان بدانند و از شر آنان به خدا و به همت و آگاهی خود پناه برند.

این وعاظ السلاطین (لعنهم الله)، به این هم اکتفا نمی‌کنند که نغمه‌ی شوم جدایی دین از سیاست را به زبان دین بیان کنند؛ بلکه برای تحکیم قدرت شیاطین، به مدح و ثنا و تأیید جنایت‌کاران هم می‌پردازند. آیا این، دخالت در سیاست و حرام نیست؟

آیا تضعیف اسلام و مسلمین، ایجاد تفرقه، مقابله با انقلاب اسلامی و تبری از اولیای خدا و تهمت و بهتان به آن‌ها و افکار آیات خدا- و لو سیاسی هم باشد اشکالی ندارد؛ ولی حمایت از مظلومان و برائت از مشرکان و هم‌نوایی با محرومان و ستم‌دیدگان و اعتراض به تسلط امریکا و اسرائیل بر کشورهای اسلامی و مخالفت با غارتگری کمپانیهای خارجی و محکوم کردن خیانت رؤسا و سلاطین مسلمان نام و حمایت از مبارزات مسلمانان واقعی و امثال آن جرم است؟!

<sup>۷</sup> بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۸۹/۷/۲۷



اینجاست که سخن امام فقید ما، آن داعیِ اِلَى اللّٰهِ و فانی فی اللّٰهِ آشکار می‌شود که اسلام را به اسلام ناب محمّدی (ص) و اسلام امریکایی تقسیم می‌کرد. اسلام ناب محمّدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش‌ناپذیری با زورگویان و فتنه‌گران است؛ اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.

اسلام امریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرتهای استکباری و توجیه‌کننده‌ی اعمال آن‌هاست؛ بهانه‌ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است؛ وسیله‌ای برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه‌ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است (و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین - چنان‌که در صدر اسلام بوده است - بلکه به عنوان گوشه‌یی برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت).

اسلام امریکایی، اسلام انسان‌های بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه‌ی تجار، وسیله‌ای برای زراندوزی یا قدرت‌طلبی می‌دانند و همه‌ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی‌محابا به زاویه‌ی فراموشی می‌افکنند و یا وقیحانه تأویل می‌کنند. اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و رؤسای است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه‌ی آله‌ی امریکایی و اروپایی قربان می‌کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه‌ی حکومت و قدرت‌نگین خود چشم می‌دوزند؛ اسلام سرمایه‌دارانی است که برای تأمین سود خود، پا بر همه‌ی فضیلت‌ها و ارزش‌ها می‌کوبند.

آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند؛ ولی اسلام ناب محمّدی، سیاست را بخشی از دین و غیر قابل جدایی از آن می‌داند و همه‌ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می‌کند؛ و این چیزی است که ملت‌های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند.<sup>۸</sup>

<sup>۸</sup> پیام به کنگره عظیم حج ۶۸/۴/۱۴